

## جامعه ایران و مهاجران افغانستانی:

### 4- اخراج مهاجران افغانستانی و جنایات علیه آنان در مرز ایران - افغانستان :

#### فرهاد کیان - امید سپینتا

در سال گذشته به طور متوسط هر ماه 25000 کارگر افغانی با اجبار و زور اخراج شده اند. در چند دهه گذشته بر اساس برخی تخمین ها هزاران نفر از کارگران مهاجر با گلوله های مأمورین جمهوری اسلامی جان باخته اند

اخراج ها و فشارهای فاشیستی و بیمارگونه جمهوری اسلامی بر مهاجرین افغانستانی اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معینی را در بر داشته است. این اهداف نه برای مقابله با بیکاری و یا مقابله با تحریم آمریکا و یا سرو سامان دادن به اوضاع اقتصادی بلکه برای هموار ساختن شرایط استثمار بیشتر و شدیدتر کارگران مهاجر افغانی و طبقه کارگر در کل و تحت ستم قرار دادن بیشتر مهاجرین افغان است. از طرف دیگر ایجاد نفاق و تفرقه در میان مردم است و به مثابه چماق سرکوب جمهوری اسلامی علیه پناهجویان عمل می کند.

در بخش اول «جامعه ایران و مهاجران افغانستانی» به آمار مهاجران افغانستانی در جامعه ایران اشاره شد. همچنین ترکیب سنی و موقعیت کاری آنها مختصراً بررسی شد و چنین نتیجه گرفت که مهاجران افغانستانی بخش جدایی ناپذیر از طبقه کارگر ایران هستند. این موضوع هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی که اکثریت آنان جزو تحتانی ترین بخش جامعه قرار دارند حائز اهمیت است. در بخش دوم به تبعیضات فاشیستی و قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران علیه کارگران مهاجر افغانستانی مثل محدودیت شغل و محدودیت سکونت و تردد و محدود کردن آنان به مکان ها و مناطق معین و همچنین به محدودیت ها برای خانواده و فرزندان آنها برای تحصیل و استفاده از امکانات اجتماعی همانند پزشکی و بیمه اشاره شد. بخش سوم تبلیغات رژیم در مورد اینکه مهاجران افغانستانی "عامل بیکاری و وخامت اقتصادی" و "مصرف کننده منابع رفاهی" هستند و این ادعا که چنانچه مهاجرین افغانستانی نباشند "بیکاری به صفر می رسد" و "باری از دوش جامعه" برداشته می شود، بررسی شد. بخش سوم همچنین استدلال می کند که کارگران مهاجر نه تنها عامل بیکاری نیستند و باری بر دوش جامعه نیستند بلکه یکی از منابع ثروت جامعه می باشند و چرخ اقتصاد وابسته به آنهاست. اینک به بخش چهارم این سلسله مقالات در مورد اهداف اخراج فاشیستی مهاجران و برخوردهای وحشیانه به مهاجرینی که از مرز عبور می کنند می پردازیم.

اذیت و آزار و اخراج خشونت آمیز و ایجاد موانع در مرزها و سختگیری و رفتارهای بیمارگونه با مهاجرین افغانستانی توسط مأموران مرزی در ابعاد وسیع یکی از سیاست های دائمی جمهوری اسلامی بوده و این سیاست با گذشت زمان شدت و حدت بیشتری یافته است. کارزارهای گسترده ای در دوران های مختلف برای اخراج مهاجرین افغانستانی سازمان داده شد و حکایت های آن جنایات تنها می تواند ماهیت به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی را بیش از پیش نشان دهد.

سرگذشت هولناک بسیاری از مهاجرین افغانستانی، واقعیت برخورد و رفتار جمهوری اسلامی علیه مهاجرین را در طی سالها نشان داده است. یک نمونه آن رفتارهای وحشیانه با مهاجرین در کمپ «سفید سنگ» واقع در 15 کیلومتری مشهد است. جمهوری اسلامی مهاجرین بازداشت شده افغانستانی را برای مدت های طولانی در این کمپ نگاه داشته، کمپی که در واقع یک زندان و اردوگاه کار اجباری بود. مأمورین پناهجویان را تحت فشارهای روحی و فیزیکی قرار می دادند که بالاخره در سال 1377

به دنبال مرگ یکی از مهاجرین توسط یکی از مامورین 500 مهاجر اسیر شده شورش کردند که قتل عام آن‌ها را در پی داشت.<sup>1</sup>

تنها در چند ماه پیش در بهار بود که مرزبانان جمهوری اسلامی در جنایت هولناک دیگری حدود 50 نفر از کارگران مهاجر افغانی را پس از شکنجه، اذیت و آزار و بیگاری به لب مرز برده و به دریای ( رودخانه) هریرود انداختند. که حداقل 17 نفر آنها از جمله یک طفل 11 ساله غرق شدند. اما هنوز شوک ناشی از این جنایت پایان نیافته بود که جنایت دیگری رخ داد. موتر (خودروی) حامل کارگران مهاجر افغان در جاده‌های اطراف یزد توسط رگبار سلاحهای مامورین جمهوری اسلامی آتش گرفت و منفجر شد. سه مهاجر افغانستانی بدون هیچ تلاشی برای کمک به آنها سوختند و به زغال تبدیل شدند و 8 نفر به شفاخانه انتقال یافتند.

رفتارهای کریه، تحقیر آمیز و جنایتکارانه مرزبانان ایرانی با مهاجرین افغان بی سابقه نیست. برهنه کردن، شکنجه، تحقیر و دزدیدن دارایی‌های مهاجرینی که برای دیدار خانواده به کشور خود بر می‌گردند. یک شیوه معمول و رایج است که ماموران مرزی و سپاه جمهوری اسلامی در طول سالها بکار برده‌اند. تیر اندازی از جانب مامورین مرزی به سمت مهاجرینی که بصورت «غیر قانونی» از مرز عبور می‌کنند بسیار رایج است و در چهل سال گذشته بر اساس برخی تخمین‌ها هزاران نفر از کارگران مهاجر با گلوله‌های مامورین جمهوری اسلامی جان باخته‌اند. اخیراً طرحی توسط نمایندگان ضد مردمی مجلس جمهوری اسلامی ارائه شده که ماموران امنیتی را مجاز به فیر (تیراندازی) به سوی موترهایی می‌کند که مشکوک به حمل مهاجرین افغانی باشند. به این ترتیب ماموران به هر موتری تحت همین عنوان می‌توانند تیراندازی کنند. هر چند که تا بحال همین کار را می‌کردند. اما به این معنی است که کشتار مهاجرین و مظنون به مهاجرین را که حتی ممکن است بر گه اقامت هم داشته باشند قانونی می‌کند. و درحقیقت بیان این مسئله است که دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی قصد دارد اذیت و آزار مهاجرین را باز هم شدت بیشتری ببخشد.

طبق این طرح که به آن نام "ساماندهی اتباع خارجی غیر مجاز" داده‌اند مجازات حبس تا ۲۵ سال و جریمه نقدی تا ۱۰۰ میلیون تومان را برای مهاجرینی که در آمدشان کفاف نان شب شان را هم نمی‌دهد تعیین کرده‌اند و امکان مصادره اموال آنها را به دستگاه قضایی نیز می‌دهد تا این زالو صفتان آخرین عصاره جان آن‌ها را نیز بکنند.

این طرح هم چنین کسانی را که قصد کمک به مهاجرین را داشته باشند و یا به آنها جای و مکانی بدهند و در حمل و نقل و جابجایی آنها نقشی داشته باشند مخالف قانون به حساب آورده و مشمول مجازات می‌کند.<sup>2</sup>

مسئله اخراج پناهجویان افغانی از ایران و سختگیری در مرزها بخصوص بعد از اشغال افغانستان توسط آمریکا و متحدینش شدت بسیار بیشتری گرفت. در چنین دورانی بین ایران و کمیساریای پناهندگان سازمان ملل توافقنامه‌ای برای بازگرداندن 1.4 میلیون پناهنده افغانی از ایران امضاء شد (4

1- اردوگاه سفید سنگ: سفید سنگ در استان خراسان و در شرق مشهد واقع است جمهوری اسلامی تلاشی بسیاری برای مخفی ماندن جنایاتش در اردوگاه سفید سنگ کرده است. اما خاطرات شاهدان عینی که توانسته‌اند از این اردوگاه جان سالم بیرون ببرند کم کم پرده از جنایات آن برداشته است. یک فیلم سینمایی همدر این باره ساخته شده که در افغانستان اجازه پخش نیافت. احتمالاً به خاطر حفظ روابط با جمهوری اسلامی.

2- به وب سایت بی بی سی فارسی تاریخ 15 آذر 1399 رجوع شود.

حوت- اسفند 1379) و این دست دولت ایران را برای اعمال فشار بیشتر بر پناهجویان افغانی و اخراج آنها بیش از پیش باز گذارد.

از آن زمان هر چند از گاهی کارزارهایی برای اخراج پناهجویان افغانی براه انداخته شده و یا مصوبه ای برای اعمال فشار و یا اخراج پناهجویان افغانی به فیصله مجلس رسیده که باگذشت زمان این فیصله ها فشارها بر مهاجرین افغانستانی را شدیدتر و وحشیانه تر کرده است. مثلاً در نومبر 2012 مجلس وزارت کشور را موظف کرد که تا سال 2015 موضوع "مهاجران غیرقانونی افغان" را حل کند که معنی آن عملاً اخراج و یا فشار بر این پناهجویان بود چون که دریافت اقامت و اجازه کار از جانب پناهجویان افغان بخصوص بعد از اشغال افغانستان بسیار سخت شده بود و تازه کارت اقامت برخی به دلایل و بهانه های مختلف گرفته می شد و یا تمدید نمی شد.

سازمان بین المللی مهاجرت و همچنین مقامات ایران و افغانستان گزارش کرده اند که در سال 2016 بیش از 440 هزار مهاجر افغانستانی ایران را ترک کرده اند این تعداد در سال 2017 در حدود 610 هزار بوده است در سال 2018 بیش از 770 هزار نفر از مهاجرین افغان ایران را ترک کرده اند که نشان می دهد این تعداد رشد صعودی داشته است. طبق تازه ترین آمار سازمان بین المللی مهاجرت از ابتدای سال جاری (2020) تا اواسط دسمبر بیش از 300 هزار نفر از مهاجرین افغانستانی توسط جمهوری اسلامی اخراج شده اند. یعنی بطور متوسط 25 هزار نفر در ماه.<sup>3</sup> همچنین در همین مدت بیش از 500 هزار نفر از مهاجرین نیز خود ایران را ترک کرده اند که البته بخش مهمی از آنها تحت تاثیر همین اخراج ها و فشارهای متعدد جمهوری اسلامی و بسیاری نیز بخاطر اوضاع بد و نابسامان اقتصادی ایران و تحریم ها و همچنین شیوع کرونا بوده است.

سوالی که مطرح می شود آیا اخراج و فشارهای اجباری به مهاجرین افغانستانی همانگونه که مسئولین جمهوری اسلامی ادعا می کنند به این دلیل است که آنها عامل بیکاری و یا باری بر "خدمات اجتماعی" هستند. همانطور که قبلاً هم اشاره شد کارگران مهاجر نه تنها باری بر جامعه ایران نیستند بلکه چند برابر مزدشان ارزش تولید می کنند و اقتصاد جامعه استثماری به نوعی وابسته به کار ارزان این مهاجرین است. این مسئله را خود مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی بخوبی می دانند. حتی هنگامی که موضوع اخراج ها بالا می گیرد برخی از مسئولین و مقامات بالا زنگ خطر را بصدادر می آورند و نسبت به زیاده روی ها هشدار می دهند. مثلاً سعید لیلانز عضو حزب کارگزاران سازندگی اذعان کرده که خروج افغانستانی ها هزینه تولید در ایران را افزایش خواهد داد. رئیس پلیس سابق ایران در سال ۱۳۹۲ گفته بود نمی توان همه مهاجران افغان را از کشور اخراج کرد چراکه قسمتی از چرخ اقتصاد کشور از گردش می ایستد. عبدالرضا هاشم زایی، نماینده تهران در مجلس هشدار داد: "خروج کامل کارگران افغانی به طور حتم بخشی از بدنه کارهای عمرانی در سطوح شهری را دچار مشکل می کند که باید برای آن فکری کرد."<sup>4</sup>

روزنامه ایران، ارگان رسمی جمهوری اسلامی ایران ۱۱ شهریور ۱۳۹۷، همزمان با افزایش نرخ دلار، به نقل از کارفرمایان، خروج کارگران افغانستانی را سبب بالا رفتن هزینه تولید دانست. به عنوان

<sup>3</sup>- به وب سایت سازمان جهانی مهاجرت رجوع شود که آمار اخراج و ترک افغانستانی ها از ایران و پاکستان را به صورت هفتگی رصد می کند.

<sup>4</sup>- وب سایت بی بی سی فارسی - سپهر قاسمی روزنامه نگار 20 اردیبهشت 2019-

نمونه یکی از کارفرمایان به گزارشگر روزنامه ایران گفت؛ «هر دو کارگر افغان را که از دست بدهیم به جایش باید ۴ کارگر ایرانی استخدام کنیم.»<sup>5</sup>

با توجه به این شرایط همچنان این سوال باقی می ماند که پس این اخراج ها و خشونت های بیمارگونه و موانع بر سر راه ورود مهاجرین برای چیست؟ چند عامل را می توان برشمرد که تلاش می کنیم به برخی از مهمترین آنها اشاره کنیم:

## 1- اخراج و تهدید به اخراج به مثابه ابزار و اهرمی سیاسی در رقابتهای منطقه ای:

اخراج مهاجرین علاوه بر اینکه بطور روزمره جریان دارد، اما افت و خیز آن تابع اوضاع سیاسی و مناسبات با افغانستان و متحدان افغانستان نیز بوده است. بعبارت دیگر کارگران مهاجر به مثابه ابزاری سیاسی در دست جمهوری اسلامی ایران در رقابتهای منطقه ای و یا در تنش هایش با دولت افغانستان و یا آمریکا بوده است. زندگی میلیونها نفر به طور دائم تحت تاثیر تصمیمات و یا کارزارهای ارتجاعی جمهوری اسلامی در این مورد بوده و زندگی درصد بالایی از آنان مختل و یا از هم پاشیده شده است. مثلا نمونه آن اختلافاتی که بر سر رود هیرمند بین حکومت ایران و افغانستان بارها پیش آمده است، همین آخرین بار در اختلاف بر سر این مسئله حکومت ایران تهدید به اخراج میلیونها مهاجر افغانی ساکن ایران کرد. و یا نمونه بارز دیگر آن مصاحبه عراقچی معاون وزیر خارجه ایران در سال قبل بود که مستقیما تهدید کرد، اگر تحریم های آمریکا موثر واقع شوند، مهاجرین افغان را اخراج خواهند کرد. به هر حال اخراج افغانی ها پیوسته بخش مهمی از سیاست رژیم جمهوری اسلامی ایران بوده است، حال چه با اهداف سیاسی و یا اهداف اقتصادی که دنبال می کرده است.

## 2- اخراج ابزاری برای کنترل و تنظیم تعداد مهاجرین:

نکته مهم این است که علیرغم فشارهای فوق العاده شدید بر مهاجرین و اخراج های گسترده و وسیع در چند دهه گذشته باعث نشده که تعداد مهاجرین افغانی در ایران اساسا و یا به مقدار قابل توجهی کم یا زیاد شود.

علیرغم سودبردن و منفعت اقتصادی که مهاجرین افغانستانی نصیب طبقات حاکمه می کنند و مقامات و مسئولین از این منفعت کاملا آگاهی دارند اما در عین حال رژیم مصمم است که کنترل نسبی بر تعداد مهاجرین داشته باشد. به همین دلیل علیرغم اخراج میلیون ها کارگر و ایجاد موانع در مرزها چنانچه نگاهی به آمار مهاجرین بیاندازیم می بینیم که تعداد مهاجرین در چند دهه گذشته تقریبا در یک محدوده خاص باقی مانده است. کم یا زیاد شدن مهاجرین عمدتا به فاکتورهای دیگری بستگی داشته است. در یک مورد جبهشی که در آن صورت گرفت در اوایل سالهای اول بعد از اشغال افغانستان توسط آمریکا و متحدینش بود که بسیاری به تصور اینکه اوضاع افغانستان در حال بهتر شدن است خود داوطلبانه به افغانستان برگشتند. یا مورد دیگر در این اواخر به خاطر تحریم اقتصادی ایران و شیوع کرونا بسیاری از مهاجرین مجبور به ترک ایران شده اند که بر تعداد مهاجران تاثیر گذارده اند. اما بطور کلی تا زمانی که اوضاع سیاسی منطقه تا این اندازه حاد و حساس باقی بماند و اوضاع اقتصادی در ایران و افغانستان همچنان بی ثبات باشد، افت و یا خیز در تعداد کل مهاجران افغان چه با برگه اقامت و یا بدون

برگه در ایران موقتی و در محدوده دو تا دو و نیم میلیون در نوسان خواهد بود. خلاصه اینکه علیرغم شیوه های فاشیستی اخراج مهاجرین و ایجاد موانع در مرزها نتوانسته تغییری اساسی در تعداد مهاجرین افغانستانی در ایران ایجاد کند و هدف هم این نبوده است بلکه منظور کنترل تعداد و تنظیم توان کاری مهاجرین بوده است.

### 3- اخراج مهاجرین مکانیزمی برای تعویض و جابجایی نیروی کار:

فشارها و اخراج مهاجرین توسط جمهوری اسلامی همچنین به مثابه مکانیزمی برای تعویض و جابجایی مهاجرین بکار برده می شود. مثلاً کسانی که قدرت بدنی اشان بر اثر بالارفتن سن و یا کهولت پایین تر آمده است و یا بر اثر حادثه و تصادف و یا بر اثر فرسودگی در اثر کارهای سخت، نامناسب و نا سالم بیمار شده اند و دیگر کارکرد خود را برای سیستم و نظام جمهوری اسلامی از دست داده اند، در نتیجه باید از دور خارج شوند. البته این تعویض یک فرم خودبخودی نیز می گیرد. چرا که افرادی که نیروی کارشان بدلائیل مختلف فرسوده شده شانس کمتری دارند که بتوانند برای خود در بازار کار کاری دست و پا کنند و خود راه برگشت به وطن را در پیش می گیرند. همچنین این دسته کمتر امکان مقاومت و توان گریز از نیروهای امنیتی و گشت را داشته و ممکن است با اولین فشارها و بگیر و ببندهایی که علیه مهاجرین به راه انداخته می شود سریعتر به ترک ایران مبادرت کنند و یا اینکه سریعتر به دام نیروهای امنیتی و گشت و بازرس های تجسس بیفتند.

یک راه دیگر اخراج، تمدید نکردن اجازه اقامت مهاجرین است. جمهوری اسلامی بارها از تمدید اجازه اقامت و یا اجازه کار برخی از آنانی که سالها در ایران کار کرده اند و به اصطلاح خودشان قانونی بوده اند طفره رفته است. این اقدامات فاشیستی عملاً به ترک داوطلبانه و یا اخراج با زور آن دسته از مهاجرینی می شود که نمی توانند پاسخگوی کارهای سخت و طاقت فرسایی باشند که صاحبان کار طلب می کنند. در نتیجه جمهوری اسلامی خود را موظف به تصفیه آنان می کند.

### 4- ایجاد بی ثباتی در زندگی مهاجرین برای استثمار شدیدتر و نیروی کار ارزان تر:

هدف و یا نتیجه دیگر فشارهای عمومی و دائمی جمهوری اسلامی بر مهاجرین دامن زدن به ناامنی دائمی و بی ثبات کردن زندگی آنهاست. به همین جهت آنها را از حق مالکیت بر زمین و خانه، موتر و حتی تلفن سیار محروم کرده و به آنها اجازه کسب و کار نمی دهد و برای آنها حساب بانکی هم باز نمی کنند. این محدودیت ها در خدمت چنین هدفی نیز قرار می گیرد.

ایجاد ناامنی در میان جامعه مهاجرین و محروم کردنشان از یک ثبات نسبی باعث می شود که آنها محتاج تر و نسبت به تحصیل فرزندان بی تفاوت و در یک دلهره دائم قرار داشته باشند و بصورت دائمی با یک زندگی محقر و موقتی روز را به شب برسانند. یکی از زنان افغانستانی در مصاحبه بایکی از کنشگران مسئله زنان این مشکل را چنین بیان می کند: "هر روز می گویند می خواهند افغانی ها را بیرون کنند و همین نگرانی باعث می شود که نتوانیم زندگی مان را بصورت عادی حتی با زحمت و دردی که می کشیم ادامه دهیم. و عمری را به حالت بلا تکلیفی و سرگردانی سر می کنیم."<sup>6</sup> شیوه های اخراج فاشیستی جمهوری اسلامی بر ترس، نگرانی و فشارهای روحی بی شمار مهاجرین افزوده

<sup>6</sup>- زنان افغان در اسلام شهر (ناهد کشاورز - سحر سجادی)

است. این نگرانی و بی ثباتی باعث می شود که کنترل رژیم و دولت بر این بخش زحمتکش و تحت ستم بیشتر باشد و نیروی کار آنها را ارزان و ارزان تر کند و از طرف دیگر برخی از آنان را به کارهایی که می خواهد مجبور کند. مثلاً همین فشارها و عواقب آن مبنای مهمی برای سربازگیری در سپاه فاطمیون بوده است.

## 5- جنبه سیاسی- رواج فرهنگ شونیستی و تفرقه در میان کارگران

چرا بخش هایی از مردم در جامعه ایران بجای حمایت از مهاجرین افغانستانی و وحدت با آنها در دام دروغ ها و حرفهای فریب کارانه رژیم و مسئولان آن می افتند و به افغان ستیزی می پردازند.

یکی دیگر از اهداف دستگاه حاکم از اخراج و فشارها بر مهاجرین این است که نگرش های راسیستی و شونیستی و برتری طلبانه ملت غالب را تقویت کند و از این طریق به نفاق افکنی میان توده های مردم دامن بزند و حتی تلاش کند که توده های مردم را به خیرچینان و جاسوسان خود مبدل کند. به عبارت دیگر اهداف سیاسی دراز مدت این اقدامات جمهوری اسلامی فرهنگ سازی ارتجاعی در میان توده های مردم نیز می باشد و این فرهنگ مهاجر ستیزی را با ادعای واهی که مهاجرین عامل بیکاری و نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی هستند نیز تغذیه می کنند.<sup>7</sup>

اهدافی که در بالا برشمرده شد تنها بخشی از عوامل اصلی اخراج ها و فشارهای فاشیستی و بیمارگونه جمهوری اسلامی بر مهاجرین افغانستانی است. به طور خلاصه می توان گفت که جهت گیری رژیم جمهوری اسلامی اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معینی را در بر داشته است. این اهداف نه برای مقابله با بیکاری و یا مقابله با تحریم آمریکا و یا سرو سامان دادن به اوضاع اقتصادی بلکه برای اعمال فشار و استثمار بیشتر و شدیدتر کارگران مهاجر افغانی و طبقه کارگر در کل و تحت ستم قرار دادن بیشتر مهاجرین افغان و سوء استفاده های دیگر از جمله سربازگیری برای جنگ های منطقه ای، طراحی شده اند. از طرف دیگر تلاش می کنند تا با ایجاد نفاق و تفرقه در میان مردم از بار مسئولیت سیاسی و اقتصادی در قبال اوضاع نابسامان بردوش شان بکاهند. به عبارت دیگر اخراج وحشیانه و بیمارگونه مهاجرین افغانستانی توسط جمهوری اسلامی در مجموع به مثابه چماق سرکوب جمهوری اسلامی علیه پناهجویان عمل کند.

این در شرایطی است که نیروی کار کارگران مهاجر افغانستانی در ایران بخش بسیار مهمی از ساختار انباشت سرمایه بوژوا بوروکرات های حاکم بر ایران و از منابع سود اقشار فوقانی جامعه است. ستم و سرکوب و فوق استثمار آنان شیوه کشیدن شیر جان و زحمت و عصاره زندگی این بخش از جامعه است. کارگران مهاجر افغانستانی بخشی جدایی ناپذیر از طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه ایران است که از بی حقوق ترین و ستم دیده ترین قشرهای جامعه ایران کنونی به حساب می آیند. این بخش می تواند در مبارزه متحد علیه ستم و استثمار طبقات حاکمه و وابسته در ایران و افغانستان نقشی مهم و تعیین کننده ایفاء کند. به همین دلیل نمی توان و نباید در مقابل این ستم و استثمار و فشارهای فاشیستی علیه مهاجرین افغانستانی ساکت ماند. گذشته از این که مبارزه علیه سیاست های فاشیستی اخراج مهاجرین مبارزه ای برای حقوق یک بخش زحمتکش و تحت ستم است همچنین بخشی از مبارزه برای

7- این موضوع رابه صورت مشخص در بخش های بعدی بررسی خواهیم کرد.

سرنگونی رژیم مرتجع و ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران و در خدمت مبارزه برای جهانی بدون  
مرز خواهد بود.

توضیحات: